

روند تغییرات مخارج خوراکی خانوارها قبل و پس از هدفمندی

علی اکبر خسروی نژاد، کارشناس اقتصادی

جهان صنعت

افزایش هزینه‌های خوراکی، موجب افزایش مشکلات در زمینه‌ی تأمین مالی این هزینه‌ها برای خانوارها می‌شود. این امر به نوبه خود امنیت غذایی و سلامت خانوارها و به تبع آن سلامت جامعه را با چالش مواجه خواهد کرد. هدف این یادداشت بررسی وضعیت تغییرات مخارج خوراکی‌ها به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی طی دوره سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. دوره مذکور به دو زیر دوره قبل از هدفمندی (۸۸-۱۳۸۳) و دوره بعد از هدفمندی (۹۰-۱۳۸۹) تقسیم شده و بر این اساس تحلیل ارائه می‌شود.

در کل دوره روند متوسط مخارج یک خانوار شهری و روستایی صعودی بوده است، با این توضیح که همواره مخارج خانوارهای شهری بیش از مخارج خانوارهای روستایی قرار داشته است. خصیصه صعودی بودن مخارج در مورد کالاهای خوراکی و غیر خوراکی خانوارهای شهری و روستایی صادق بوده است. فقط در سال ۱۳۹۰ مخارج خوراکی خانوارهای روستایی بر مخارج خوراکی خانوارهای شهری پیشه می‌گیرد.

میانگین مخارج سالانه خوراکی خانوارهای شهری در دوره قبل از هدفمندی ۱۷/۴ میلیون ریال بوده است؛ در حالی که، برای سال‌های بعد از هدفمندی به ۲۹/۴ میلیون ریال افزایش یافته است. به عبارت دیگر هدفمندی و تعدیل قیمت حامل‌های انرژی به شدت مخارج خوراکی خانوارهای شهری را تحت تاثیر قرار داده است. میانگین مخارج سالانه غیرخوراکی از حدود ۵۸ میلیون ریال برای دوره قبل از هدفمندی به ۹۳/۷ میلیون ریال برای سال‌های بعد از هدفمندی افزایش یافته است.

در مورد خانوارهای روستایی میانگین مخارج سالانه خوراکی از حدود ۱۷/۳ میلیون ریال برای سال‌های قبل از هدفمندی به ۲۹/۵ میلیون ریال در دوره بعد از هدفمندی افزایش یافته است. این تغییر افزایشی برای مخارج سالانه غیرخوراکی خانوارهای روستایی از ۲۸/۴ میلیون ریال به ۴۶/۷ میلیون ریال بوده است.

به لحاظ ارقام میانگین رشد سالانه مخارج در کل دوره (۹۰-۱۳۸۳)، میانگین نرخ رشد سالانه برای سه گروه خوراکی‌ها، غیرخوراکی‌ها و کل در دامنه ۱۳/۹ تا ۱۴/۵ درصد در نوسان بوده است. این وضعیت برای قبل از اجرای هدفمندی (۸۸-۱۳۸۳) کمی متفاوت است. بیشترین میانگین نرخ رشد سالانه مربوط به گروه کالاهای غیرخوراکی در جوامع شهری بوده است (۱۴/۹۱ درصد)، و کمترین آن نرخ رشد خوراکی‌ها برای مناطق روستایی (۱۰/۹۸ درصد) می‌باشد. در دوره پس از اجرای هدفمندی (۹۰-۱۳۸۹) نرخ رشد متوسط سالانه کلیه

گروه‌های کالایی به مراتب بیشتر از نرخ رشد سالانه قبل از هدفمندی (به جز گروه غیرخوراکی‌ها در جامعه شهری) بوده است. متوسط نرخ رشد سالانه مخارج خوراکی برای جامعه شهری طی دوره مذکور ۲۰/۶۳ درصد به‌دست آمده که در مقایسه با سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ به مراتب بزرگتر بوده و به‌نظر می‌رسد که اختلاف معنی‌داری را ارایه می‌نماید. جالب توجه‌تر از این موضوع، شدت افزایش میانگین نرخ رشد مخارج خوراکی در مناطق روستایی است که سقف نرخ افزایش‌ها را نشان می‌دهد (۲۲/۵ درصد)! این که چه عاملی باعث این اختلاف شدید در شکل‌گیری و تغییر مخارج خوراکی‌ها در مناطق روستایی شده است، خود یک موضوع مهم و قابل بررسی است. ولی یک ادعا آن است که افزایش تقاضا ناشی از دریافت کمک‌های نقدی (هدفمندی یارانه‌ها) می‌تواند باشد که محل بحث این نوشتار نیست. افزایش شدیدتر نرخ رشد سالانه خوراکی‌ها (هم در مناطق شهری و هم روستایی) در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰ همراه با افزایش محدودتر نرخ رشد برای مخارج کالاهای غیرخوراکی توانسته است نرخ رشد مخارج کل را تعدیل نماید، چرا که برای خانوار امکان جایگزینی در گروه کالاهای غیرخوراکی بیشتر از گروه خوراکی بوده است.

با توصیفات به‌عمل آمده مشخص می‌شود چنانچه سیاست‌گذار قصد اجرای فاز دوم هدفمندی را داشته باشد باید به موضوع مهم مخارج خوراکی‌ها در مناطق شهری و روستایی و ترکیب این مخارج توجه خاص داشته باشد.